



## مشاور مالی

□ جمشید رضایی

از دوره حل پیشنهاد ذیل را انجام دهد: الف- بررسی آیین نامه اجرایی لایحه قانونی اخیر الذکر مصوب سال ۱۳۵۹ و اصلاح آن به منظور تعیین تکلیف ضوابط و مقررات استخدامی حاکم بر کارکنان شهرداری‌ها و سازمان‌های وابسته. ب- تهیه متن آیین نامه اجرایی لایحه قانونی مذکور به گونه‌ای که جامع تمام موارد استخدامی بوده و لغو آیین نامه اجرایی سال ۱۳۵۹؛ البته اقدامات مهمی در این خصوص در دفتر تشکیلات و نیروی انسانی سازمان در حال انجام است که ظاهراً مراحل پایانی آن سپری می‌شود.

○ آیا شهرداری به منظور فروش اموال منقول و غیرمنقول؛ همچنین اجاره اموال غیرمنقول شهرداری موضوع ماده ۱۳ آیین نامه مالی شهرداری‌ها می‌تواند با رعایت ترک تشریفات مزایده طبق ماده ۱۴ قوانین و مقررات مالی شهرداری‌ها با توجه به میزان نصف تعیین شده، برای انجام معاملات از طریق ترک تشریفات مزایده (تصویب نامه موضوع ماده ۲۰ مکرر الحاقی به آیین نامه مالی شهرداری‌ها مصوب ۸۲/۴/۱) پس از کسب مجوز از شورای اسلامی شهر اقدام نماید یا خیر؟

○ مطابق ماده ۱۳ آیین نامه مالی شهرداری‌ها، فروش اموال منقول و غیرمنقول و اجاره اموال غیرمنقول شهرداری از طریق مزایده کتبی صورت خواهد گرفت، لکن در مورد فروش اموال منقول و اجاره دادن فرآورده‌های واحدها و مؤسسات تابعه شهرداری با جلب موافقت شورای اسلامی شهر می‌توان از طریق مزایده حضوری (حراج) اقدام نمود. و مطابق ماده ۱۴ آیین نامه یاد شده، مقرراتی که در این آیین نامه برای انتشار آگهی و دیگر تشریفات مناقصه پیش بینی شده است در مورد مزایده نیز باید رعایت گردد؛ بنابراین وفق مقررات یاد شده، اصل بر این است که فروش اموال منقول و غیرمنقول و اجاره اموال غیرمنقول شهرداری می‌بایست با رعایت تشریفات مزایده صورت گیرد؛ مگر این که ترک مزایده ضروری تشخیص داده شود. از آن جا که مطابق ماده ۱۴ تشریفات مناقصه در مورد مزایده نیز لازم‌الرعایه است و یکی از

○ گروهی از کارکنان شهرداری‌های یکی از استان‌های کشور در نامه‌ای اعلام نمود ه‌اند، آیین نامه کارکنان استخدامی شهرداری‌های کشور مصوب ۱۳۸۱/۱۲/۱۴ هیأت محترم وزیران در ۹۹ ماده به تصویب رسیده است که براساس ماده ۹۳ آن انتقال و مأموریت مستخدمان ثابت و رسمی شهرداری‌ها و سازمان‌های وابسته به دیگر دستگاه‌های و بالعکس با درخواست کتبی مستخدم و موافقت دستگاه‌های یاد شده مجاز است.

تعدادی از موارد آیین نامه مذکور مورد ایراد هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین و مقررات عمومی کشور واقع شده است و بقیه از جمله ماده ۹۳ مورد ایراد واقع نشده است و قانوناً معتبر می‌باشد؛ لذا استدعا داریم به منظور جلوگیری از تضییع حقوق قانونی مستخدمین زحمتکش شهرداری‌ها در این خصوص پیگیری به عمل آید تا کارکنان شهرداری‌ها که به حق از زحمتکش‌ترین کارکنان کشور بوده و صادقانه و با نهایت تلاش در سنگر بسیج سازندگی کشور مشغول خدمات رسانی به کلیه شهروندان و اقشار جامعه می‌باشند از حقوق قانونی خود محروم نگردیده و بتوانند از این حق قانونی استفاده نمایند.

○ واقعیت این است که هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین و مقررات عمومی کشور در ابتدای ایرادات خود به آیین نامه استخدامی کارکنان شهرداری‌های کشور مصوب سال ۱۳۸۱، تمام آیین نامه یاد شده را مغایر با قوانین و مقررات موجود تشخیص داده است.

زیرا هیأت یاد شده معتقد است که با لایحه قانونی شمول قانون استخدام کشور (غیر از شهرداری پایتخت) درباره کارکنان شهرداری‌های کشور مصوب ۱۳۸۵، کارکنان شهرداری‌ها و سازمان‌های وابسته به آن تابع قانون استخدام کشوری و ضوابط و مقررات حاکم بر آن می‌باشند. با توجه به این سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور می‌بایست در اجرای لایحه قانونی یاد شده یکی



این تشریفات، تشریفات است که در ماده ۴ آیین نامه در باب ترک تشریفات مناقصه قرار داده شده است؛ بنابراین حکم ماده ۴ در مورد مزایده نیز قابل کسری به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر با توجه به مبلغ مورد اجاره یا مورد معامله، مراجع تصویب کننده و تأیید کننده اجاره و معامله متفاوت خواهد بود.

○ آیا املاکی که به وسیله سازمان‌های وابسته به شهرداری‌ها؛ مانند سازمان بهسازی و نوسازی در اجرای طرح‌ها تملک می‌گردد، در اجرای ماده ۷۰ قانون مالیات‌های مستقیم از مالیات نقل و انتقال معاف می‌باشند؟

○ ماده ۷۰ قانون مالیات‌های مستقیم آشکار می‌دارد: «هر گونه مال یا وجوهی که از طرف وزارت خانه‌ها و موسسات و شرکت‌های دولتی یا شهرداری‌ها بابت عین یا حقوق راجع به املاک و اراضی برای ایجاد و یا توسعه مناطق نظامی یا موافق عامه از قبیل توسعه یا احداث جاده، راه آهن، خیابان، معابر، لوله کشی، آب، نفت، گاز و نظایر آنها به مالک یا صاحب حق تعلق می‌گیرد یا به حساب وی به ودیعه گذاشته می‌شود از مالیات نقل و انتقال موضوع این فصل معاف خواهد بود...؛ همچنین هرگونه وجه یا مالی که از طرف اشخاص مذکور بابت تملک املاک یا حقوق واقع در محدوده‌ی طرح‌های نوسازی، بهسازی و بازسازی محلات قدیمی و بافت‌های فرسوده شهرها به مالکین یا صاحبان حق تعلق می‌گیرد از پرداخت مالیات نقل و انتقال معاف است.»

بر طبق ماده ۲ قانون مزبور شهرداری‌ها اساساً مشمول پرداخت مالیات نمی‌گردند. اما حکم ماده ۷۰ از امتیازات و حقوقی است که موضوع آن ملک مورد تملک بوده و به عنوان مشوقی به مالک ملک یا صاحب حق مورد تملک اعطاء شده است. ماهیت تملک املاک برای اجرای طرح‌های قانونی خود به عنوان یکی از اختیارات سلب مالکیت اشخاص حقوقی حقوق عمومی امری خلاف اصل مالکیت است. بنابراین ماده ۷۰ قانون مالیات‌های مستقیم مالکین و صاحب حقی را که ملک و یا حق آن‌ها مورد تملک قرار گرفته است از مالیات نقل و انتقال معاف نموده است. از طرفی نکته قابل توجه آن است که شهرداری‌ها بسیاری از فعالیت‌های خود را به واسطه‌ی سازمان‌های وابسته به آن‌ها به صورت تخصصی انجام داده و شهرداری عملاً نهاد ناظر و هدایت کننده این سازمان‌ها تلقی می‌شود. گرچه اساساً موضوع معافیت مالیاتی سازمان‌های وابسته به شهرداری‌ها آن گونه که در ماده ۲ قانون مالیات‌های مستقیم درج گردیده محل بحث می‌باشد و این سازمان‌ها علی‌رغم وابستگی به شهرداری و در هم تنیدگی وظایفشان با وظایف عمومی شهرداری‌ها در فهرست نهادهای مندرج در ماده ۲ تصریح نگردیده‌اند، اما به نظر می‌رسد که معافیت از نقل و انتقال موضوع ماده ۷۰ منصرف از معافیت مطلق سازمان‌های وابسته به شهرداری‌ها باشد. چرا که ماده ۷۰ قانون مالیات‌های مستقیم معافیت از نقل و انتقال را به واسطه شخصیت نهاد تملک کننده قابل نشده است، بلکه این معافیت به تبع ملک یا حق مورد تملک به وجود آمده و به طور کلی هرگونه وجه یا مالی را که از طرف دستگاه‌های اشاره شده به مالک یا صاحبان حق تعلق می‌گیرد از

مالیات نقل و انتقال معاف نموده است. در نتیجه حتی با در نظر گرفتن حکم عدم معافیت سازمان‌های وابسته به شهرداری‌ها از مالیات، نقل و انتقال املاک تملک شده توسط سازمان‌های وابسته به آن‌ها نیاز به مفاصا حساب مالیاتی از اداره دارایی ندارد. مضافاً این که پرداخت وجه به مالکان و تملک املاک توسط سازمان‌های وابسته مستند به ذیل ماده ۱ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی عمرانی و نظامی دولت مجاز و قانونی می‌باشد. در خصوص مسأله فوق شکایتی توسط سازمان زیباسازی بهسازی و نوسازی اطراف حرم مطهر حضرت معصومه (س) طرح گردیده و ابطال نظریه معاون درآمدهای مالیاتی وزارت امور اقتصادی و دارایی مبنی بر این که عبارت «شهرداری‌ها» مندرج در ماده ۷۰ قانون فوق الذکر موسسات وابسته به شهرداری‌ها را در بر نمی‌گیرد درخواست شده است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری بدون ورود به ماهیت بحث حقوقی که فوقاً بررسی شد، بخش نامه مذکور را به شرح ذیل ابطال نموده است:

#### رأی شماره ۲۴۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تاریخ ۸۲/۷/۶:

قطع نظر از شمول معافیت ماده ۷۰ قانون مالیات‌های مستقیم نسبت به اراضی و املاک که به استناد لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک مصوبه ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب فرهنگی و به منظور توسعه و بهسازی و نوسازی اطراف حرم مطهر حضرت معصومه (س) حسب مورد توسط سازمان شاکی خریداری و تملک می‌گردد و الزام و تکلیف مالکین اینگونه املاک به فروش و واگذاری آن، اصولاً چون تفسیر قانون و دایره و قلمرو و شمول آن از وظایف و اختیارات اختصاصی مقنن و به مجلس شورای اسلامی راجع است. بنابراین نظریه شماره ... معاون درآمدهای مالیات وزارت امور اقتصادی و دارایی در مقام تبیین و تفسیر عدم شمول معافیت موضوع ماده مذکور به موسسات وابسته به شهرداری‌ها از جمله سازمان شاکی به هر تقدیر خارج از حدود اختیارات قوه‌ی مجریه تشخیص داده می‌شود و به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.

#### رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - دری نجف آبادی

○ با توجه به قانون صدور مجوز احداث بنا برای فضاهای آموزشی در خصوص این که آیا مدارس غیر انتفاعی نیز مستند به قانون مذکور از عوارض شهرداری معاف می‌باشند، یا خیر؟ اظهار نظر فرمایید.

○ مطابق با صدر ماده واحده قانون مذکور وزارت آموزش و پرورش از پرداخت هرگونه عوارض و هزینه‌های صدور پروانه به شهرداری‌های کشور معاف می‌باشد. در نتیجه معافیت مذکور ناظر به مواردی است که وزارت آموزش و پرورش متقاضی صدور پروانه ساختمانی و احداث بنا برای ساخت مدارس بوده و تسری به سایر اشخاص ندارد. مضافاً این که در تأیید این نظر "درخواست آموزش و



که آیا افراد بازنشسته مصداق بند فوق می‌باشند، اظهار نظر نمایید.  
○ منظور از نداشتن شغل دیگر مندرج در بند (ر) ماده ۶ آیین نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده واحده قانون راجع به تمرکز امور مربوط به تاکسی رانی، ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل می‌باشد که مقررات آن در قانون منع تصدی بیش از یک شغل درج گردیده است. بازنشستگی ضمن آن که شغل محسوب نمی‌گردد، در هیچ کدام از بندهای موصوف از موانع اخذ پروانه تاکسی رانی نمی‌باشد.

پرورش" در تبصره ۱ و "کلیه مدارس متعلق به آموزش و پرورش" در تبصره ۳ قانون فوق‌الذکر تصریح شده‌اند. بر این اساس تأسیس مدارس غیرانتفاعی که مبتنی بر درخواست اشخاص خصوصی جهت ساخت مدارس می‌باشد، از شمول معافیت مقرر خارج می‌باشد.  
○ بند (ر) ماده ۶ آیین نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده واحده قانون راجع به تمرکز امور تاکسی رانی در خصوص شرایط لازم برای پروانه تاکسی رانی "نداشتن شغل دیگر" را ذکر نموده است. در مواردی



## رأی شماره ۶۸۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص عدم تسری حکم مقرر در تبصره ۲ الحاقی به ماده ۳ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۷۹/۸/۸ به حقوق مکتسبه قانونی اشخاص قبل از تاریخ تصویب آن

تاریخ: ۱۳۸۵/۱۰/۳

شماره دادنامه: ۶۸۸

کلاس پرونده: ۵۶۴/۸۴

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای شکر بهرامی.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۹ و ۱۰ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف- ۱- شعبه هشتم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۹۷/۸۲ موضوع شکایت آقای افضل قنبری به طرفیت، تأمین اجتماعی و ثبت احوال استان زنجان به خواسته، برقراری مستمری بازنشستگی به شرح دادنامه شماره ۲۵۸ مورخ ۱۳۸۴/۲/۱۰ چنین رأی صادر نموده است، طبق رأی شماره ۸۱ مورخ ۱۳۸۱/۳/۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری احکام مراجع قضائی مبنی بر اصلاح تاریخ تولد اشخاص قبل از تصویب تبصره ۲ الحاقی به ماده ۳ قانون تأمین اجتماعی برای سازمان تأمین اجتماعی لازم‌الاتباع می‌باشد بر این اساس نظر به این که طبق دادنامه شماره ۱۳۰ مورخ ۱۳۵۲/۳/۲۰ شعبه سوم دادگاه استان زنجان تاریخ تولد شاکی از سال ۱۳۳۴ به ۱۳۲۲ تغییر یافته است؛ لذا اداره طرف شکایت مکلف است در برقراری مستمری بازنشستگی شاکی شناسنامه جدید وی با تاریخ تولد ۱۳۲۲ را ملاک عمل قرار دهد بنا به مراتب فوق با رد دفاعیات غیر موجه طرف شکایت حکم به ورود شکایت شاکی صادر و اعلام می‌گردد. الف- ۲- شعبه نهم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۵۵۸/۸۴ موضوع تقاضای تجدیدنظر سازمان تأمین اجتماعی استان زنجان نسبت به دادنامه شماره ۲۵۸ مورخ ۱۳۸۴/۲/۱۰ شعبه هشتم دیوان به شرح دادنامه شماره ۱۳۹۲ مورخ ۱۳۸۴/۹/۱۲ با رد تجدیدنظر خواهی دادنامه بدوی را عیناً تأیید و استوار نموده است. ب- ۱- شعبه نوزدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۴۲/۸۲ موضوع شکایت آقای محمد هاشم عبادی به طرفیت، سازمان تأمین اجتماعی استان زنجان به خواسته الزام برقراری مستمری بازنشستگی و قبول مندرجات اولین شناسنامه به شرح دادنامه شماره ۱۹۸۱ مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۷ چنین رأی صادر نموده است، توجهاً به قانون الحاق یک تبصره به عنوان تبصره ۲ به ماده ۳ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۷۹/۸/۸ مجلس شورای اسلامی که مقرر داشته است، ملاک تشخیص سن برای برخورداری از مزایای مقرر در قانون تأمین اجتماعی، شناسنامه‌ای است که در بدو بیمه شدن به سازمان تأمین اجتماعی ارائه شده یا می‌شود و هر گونه تغییرات که پس از آن در شناسنامه به عمل آید برای سازمان معتبر نخواهد بود و با عنایت به این که شناسنامه شاکی که در بدو بیمه شدن ارائه گردیده و مورد تأیید سازمان می‌باشد، همین تاریخ مورد ادعای شاکی بوده و مراد قانون گذار جهت جلوگیری از تغییر شناسنامه از حیث کبر سن بوده نه صغر سن و با التفات به وجود شرایط مندرج در ماده ۲۶ قانون مذکور در مورد شاکی از حیث سن (۶۰ سال تمام) و پرداخت حداقل ۱۰ سال حق بیمه و نظر به این که توجیهات سازمان در مورد شکایت شاکی اجتهاد در مقابل نص می‌باشد و سازمان دفاع موجهی نداده است، بنا بر مراتب عدم پذیرش خواسته شاکی سالب حق قانونی وی می‌باشد و شکایت مطروحه موجه و حکم به ورود آن صادر و اعلام می‌گردد. ب- ۲- شعبه دهم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۴۱/۸۳ موضوع تقاضای تجدیدنظر اداره کل تأمین اجتماعی استان زنجان نسبت به دادنامه شماره ۱۹۸۱ مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۷ شعبه نوزدهم دیوان به شرح دادنامه شماره ۷۷۰ مورخ ۱۳۸۲/۹/۱۱ چنین رأی صادر نموده است، نظر به این که دادنامه تجدیدنظر خواسته مستنداً به ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی و با توجه به قانون الحاق یک تبصره به عنوان تبصره ۲ به ماده ۳ تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۷۹/۸/۸ مجلس شورای اسلامی صادر گردیده و از ناحیه سازمان تجدیدنظر خواه نیز ایراد مؤثری که موجهی برای فسخ دادنامه شعبه بدوی باشد، ارائه نگردیده بنابراین با رد تجدیدنظر خواهی دادنامه شعبه بدوی عیناً تأیید و استوار می‌گردد. ج- ۱- شعبه هشتم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۵۱۷/۸۲ موضوع شکایت آقای شکر بهرامی به طرفیت، اداره کل تأمین اجتماعی استان زنجان به خواسته، برقراری مستمری بازنشستگی به شرح دادنامه شماره ۱۸۸۸ مورخ ۱۳۸۳/۸/۳۰ چنین رأی صادر نموده است، نظر به این که به موجب رأی لازم‌الاتباع دادگاه صالحه شناسنامه شماره ۳۷۱۰-۱۳۱۴ باطل و شناسنامه جدید به شماره ۸۷۳-۱۳۳۰ برای شاکی صادر گردیده و با توجه به این که احکام دادنامه‌های صالحه از شمول قانون الحاق یک



تبصره به عنوان تبصره ۲ به ماده ۳ قانون تأمین اجتماعی مستثنی می‌باشد. لذا اقدام مشتکی عنه از تبعیت از رأی دادگاه و ملاک قرار گرفتن شناسنامه جدید شاکی جهت انجام تعهدات قانونی آن سازمان مغایرتی با موازین قانونی ندارد و شکایت شاکی غیر موجه و محکوم به رد است. ج- ۲- شعبه نهم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۹۱۶/۸۳ موضوع تقاضای تجدیدنظر آقای شکر بهرامی نسبت به دادنامه شماره ۱۸۸۸ مورخ ۱۳۸۳/۸/۳۰ شعبه هشتم دیوان به شرح دادنامه شماره ۴۶۹ مورخ ۱۳۸۴/۳/۲۸ چنین رأی صادر نموده است، مستفاد از مندرجات دادخواست تجدیدنظر در اعتراض نسبت به دادنامه تجدیدنظر خواسته این که دادنامه مذکور مغایرت صریح با تبصره ۲ ماده ۳ قانون تأمین اجتماعی دارد. اعتراض مآلاً وارد تشخیص نمی‌گردد، زیرا منطوق تبصره استنادی دلالت بر این امر دارد که هر گونه تغییر در شناسنامه برای سازمان معتبر نخواهد بود که نتیجه آن وجود اصل شناسنامه و تغییر (اصلاح) قسمت یا قسمت‌هایی از آن است در حالی که در مانحن فیه شناسنامه باطل گردیده است؛ بنابراین مورد ادعای شاکی خارج از مصادیق تبصره استنادی است و مبنای استدلالی منعکس در دادنامه مذکور نیز از این جهت واجد ایراد است که هر گونه تغییر در شناسنامه اعم از این که به موجب حکم دادگاه یا غیر آن باشد مشمول تبصره مذکور می‌باشد و مستثنی نمودن احکام محاکم دادگستری در خصوص مورد از مصادیق اجتهاد در مقابل نص تلقی می‌گردد، بنا بر مراتب به اصلاح مبنای استدلالی به شرح فوق ضمن رد تجدیدنظر خواهی دادنامه معترض عنه مبنی بر رد شکایت نتیجتاً تأیید و استوار می‌گردد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

### رأی هیأت عمومی

اولاً، تناقض در مدلول دادنامه‌های فوق الذکر با توجه به محتویات پرونده‌های مطروحه محرز است. ثانیاً، همانطور که در رأی وحدت رویه شماره ۸۱ مورخ ۱۳۸۱/۳/۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تصریح شده است، حکم مقرر در تبصره ۲ الحاقی به ماده ۳ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۷۹/۸/۸ مبنی بر اعتبار سن مندرج در اولین شناسنامه اشخاص به منظور برخورداری از مزایای آن قانون و عدم اعتبار تغییرات بعدی در آن برای سازمان تأمین اجتماعی، مفید عدم تسری تبصره فوق الاشعار نسبت به حقوق مکسب قانونی اشخاص قبل از تاریخ تصویب آن تبصره است. همچنین سیاق عبارات تبصره فوق الذکر و تأکید قانون گذار به عدم اعتبار هر گونه تغییر در شناسنامه اشخاص مشمول آن قانون از نظر سازمان تأمین اجتماعی مبین عدم تأثیر مطلق تغییرات اعم از ابطال یا اصلاح شناسنامه است. بنابراین دادنامه شماره ۱۳۹۲ مورخ ۱۳۸۴/۹/۱۲ شعبه نهم تجدیدنظر مبنی بر تأیید دادنامه شماره ۲۵۸ مورخ ۱۳۸۴/۲/۱۰ شعبه هشتم بدوی و شماره ۷۷۰ مورخ ۱۳۸۳/۹/۱۱ شعبه دهم تجدیدنظر مبنی بر تأیید دادنامه شماره ۱۹۸۱ مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۷ شعبه نوزدهم بدوی هر یک در حدی که متضمن این معنی می‌باشد، صحیح و موافق قانون است. این رأی به استناد ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - علی رازینی

رأی شماره ۲۴۸ الی ۲۵۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال قسمت‌هایی از تصویب نامه شماره ۵۶۳۹۲/ت/۲۷۹۲۹ هـ مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۷ هیأت وزیران  
تاریخ: ۱۳۸۶/۴/۱۷  
شماره دادنامه: ۲۴۸ الی ۲۵۰  
کلاسه پرونده: ۷۱۹/۸۴، ۲۷/۸۵، ۴۴۰  
مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.  
شکات: آقایان ۱- محمد ادیب نیا ۲- رضا جعفری

موضوع شکایت و خواسته: ابطال قسمت‌هایی از تصویب نامه شماره ۵۶۳۹۲/ت/۲۷۹۲۹ هـ مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۷ هیأت وزیران.  
مقدمه: شکات به شرح دادخواست‌های تقدیمی اعلام داشته اند، هیأت محترم وزیران طی تصویب نامه مورد شکایت موادی را به تصویب رسانده که با امعان نظر به توضیحات ذیل الذکر ماده یک، ماده ۲ و بند یک و قسمتی از بند ۴ و قسمت آخر بند ۶ و بندهای ۹ و ۱۳ و ۱۴ ماده ۳ آن خلاف اصول مصرح قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹ بوده که به استناد اصول ۱۷۰ و ۱۷۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تقاضای ابطال آنها را می‌نمایم. ۱- در بند ۱ ماده ۳ تصویب نامه اذعان شده: قرارداد کتبی کار در سه نسخه تنظیم و ... که این امر برخلاف تبصره ماده ۱۱ قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹ که تنظیم قراردادها را در ۴ نسخه مورد تأکید قرار داده است، می‌باشد. ۲- ماده ۴ تصویب نامه اذعان داشته است: چنانچه توقیف کارگر به سبب شکایت کارفرما باشد و ... در مورد میزان مزایای پایان کار بین کارگر و کارفرما توافقی حاصل نشود، مراجع حل اختلاف پیش بینی شده در قانون کار می‌توانند با توجه به اوضاع و احوال طرفین به نسبت هر سال سابقه کار، حقوقی معادل ۴۵ تا ۷۵ روز تحت عنوان مزایای پایان کار تعیین و به نفع کارگر اقدام به صدور رأی نمایند. در حالی که طبق دو اصل ۵۸ و ۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وضع قانون و قواعد امره موجب حق و تکلیف و الزامات اشخاص در عموم مسائل به قوه مقننه و یا مأذون از قبل قانون گذار اختصاص دارد البته اضافه نمودن ۷۵ روز برخلاف نص صریح ماده ۲۵ قانون کار که حداکثر ۴۵ روز را در مورد تأکید قرار داده است، صحیح نمی‌باشد. ۳- قسمتی از بند ۶ ماده



۳ برگرفته از ماده ۲۷ قانون کار بوده و هیأت محترم وزیران در این بند مشابه بند ۴ ماده ۳ تصویب نامه به خلاف قانون دست به قانونگذاری زده و در قسمت پایانی این بند در مورد عدم رعایت و نقض آیین نامه انضباطی کارگاه که از سوی کارگر واقع نشده باشد و کارفرما بدون علت با کارگر قطع همکاری نماید، کارگر را مستحق دریافت حقوقی بین ۴۵ روز تا ۷۵ روز تحت عنوان مزایای پایان کار به نسبت هر سال سابقه کار دانسته که این امر خارج از حدود اختیارات هیأت محترم وزیران و قابل ابطال به نظر می‌رسد. ۴- بند ۹ ماده ۳ تنها ۱۰ درصد علاوه بر مزد به عنوان فوق العاده شب کاری و نوبت کاری برای کارگر در نظر گرفته است در حالی که به موجب ماده ۵۶ قانون کار، کار در نوبت‌های کاری صبح و عصر مشمول ۱۰ درصد و در نوبت‌های کاری صبح و عصر و شب ۱۵ درصد و در صورتی که نوبت‌ها به صبح و شب و یا عصر و شب بیافتد ۵/۲۲ درصد علاوه بر مزد به عنوان فوق العاده نوبت کاری محسوب نموده است. ۵- بند ۱۳ ماده ۳ تصویب نامه که اذعان داشته، کارگر تنها می‌تواند ۵ روز از مرخصی استحقاقی سالانه خود را ذخیره نماید، برخلاف نص صریح ماده ۶۶ قانون کار که ذخیره مرخصی استحقاقی سالانه کارگر حداکثر ۹ روز تعیین نموده می‌باشد. ۶- بند ۱۴ ماده ۳ تصویب نامه که حق برخورداری کارگر از سه روز مرخصی با استفاده از مزد را (موضوع ماده ۷۴ قانون کار) به یک روز تقلیل داده است، خلاف قانون می‌باشد. مشاور معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری در پاسخ به شکایات مذکور طی نامه شماره ۴۶۱۷۲ مورخ ۱۳۸۵/۴/۲۷ ۱۳۸۵/۳/۱۶ مبادرت به ارسال تصویر لوایح جوابیه شماره ۱۱۵۸۳۹ مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۱ ۱۳۸۴/۱۲/۱ وزارت کار و امور اجتماعی و شماره ۱۶۰۴/۵۵۳۵ مورخ ۱۳۸۵/۳/۱۶ سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور نموده است. ۱- در نامه وزارت کار آمده است: برابر ماده ۱۹۱ قانون کار کارگاه‌های کوچک کمتر از ده نفر کارگر را می‌توان برحسب مصلحت موقتاً از شمول بعضی از مقررات قانون کار مستثنی نمود. تشخیص مصلحت و موارد استثناء به موجب آیین نامه‌ای خواهد بود که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. در اجرای ماده مذکور پیش نویس آیین نامه اجرایی تهیه و به منظور جلب نظر و تأمین مشارکت و لحاظ داشتن نقطه نظرات کارگران و کارفرمایان از مجامع کارگری و کارفرمایی در سطح کشور دعوت به عمل آمد و مفاد آیین نامه در جلسات متعدد و مستمر کارشناسی مورد بررسی قرار گرفت و به تأیید و امضا کنفدراسیون صنعت ایران، انجمن مدیران صنایع، مجتمع امور صنفی توزیعی خدماتی تهران، خانه صنعت و معدن، خانه صنوف و معادن ایران، کانون عالی شورای اسلامی کار سراسر کشور، کانون انجمن‌های صنفی کارگری ایران و کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی سطح کشور رسیده است و پس از تأیید شورای عالی کار که از اجتماع مساوی نمایندگان کارگران ایران و کانون عالی کارفرمایان و دولت تشکیل می‌شود در تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۲۹ به تصویب هیأت محترم وزیران رسیده است. امعان نظر در مطالب بیان شده نشان از این واقعیت دارد که سازمان‌های کارگری و کارفرمایی و سایر مجامع روابط کار کشور به نمایندگی از سوی کارگران و کارفرمایان در تمام مراحل تهیه و تنظیم، بررسی و تأیید آیین نامه مشارکت همه جانبه و مؤثر داشته و با همکاری گروه نمایندگان دولت آیین نامه مشارکت همه جانبه و مؤثر داشته و با همکاری گروه نمایندگان دولت آیین نامه اجرایی کارگاه‌های کوچک کم‌تر از ده نفر پس از ۱۲ سال به تصویب هیأت محترم وزیران رسیده است. بدن لحاظ شکایت شاکي و جهی نداشتنه با توجه به استثناء کارگاه‌های مورد نظر از شمول قانون کار موارد انطباقی ایشان با مواد قانون کار غیر مرتبط می‌باشد. لذا تقاضای رد شکایت نامبرده را دارد. ضمناً آیین نامه اجرائی موضوع ماده ۱۹۱ قانون کار در زمینه موارد استثناء و معافیت کارگاه‌های کوچک کم‌تر از ده نفر از شمول بعضی از مواد قانون کار در جلسه مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۲۸ هیأت محترم وزیران برای سه سال دیگر تمدید و به شماره ۳۴۳۵۸/۶۹۹۰۲ مورخ ۱۳۸۴/۱۱/۱ ثبت گردیده است. ۲- در نامه سازمان مدیریت و برنامه ریزی آمده است: در خصوص شکوائیه آقای محمد ادیب نیا (مستثنی شدن کارگاه‌های کوچک زیر ده نفر از شمول قانون کار) نظر دفتر بخشی ذیربط (دفتر امور صنایع و معادن سازمان متبوع) به شرح زیر اعلام می‌گردد، تصویب نامه شماره ۵۶۳۹۲/ت/۲۷۹۲۹ مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۷ هیأت وزیران براساس ماده ۱۹۱ قانون کار به تصویب رسیده است که در آن کارگاه‌های کوچک از برخی مفاد قانون فوق‌الذکر مستثنی شده‌اند، بنابراین ادعای شاکي که موارد مذکور مطابق قانون کار نمی‌باشد، ادعای صحیحی به نظر نمی‌رسد. چرا که قانون گذار اجازه مستثنی کردن برخی از مواد قانون کار برای کارگاه‌های کوچک را به دولت داده است مضافاً این که مدت اجرای معافیت مذکور مطابق ماده ۲ مصوبه مذکور ۳ سال است که منقضی شده است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

### رأی هیأت عمومی

الف- مفاد ماده یک آیین نامه مورد اعتراض در باب تعیین موارد استثناء و معافیت کارگاه‌های کوچک از ۱۰ نفر کارگر از شمول برخی از مقررات کار مبتنی بر اختیار مقرر در ماده ۱۹۱ قانون کار است و مغایرتی با قانون ندارد. ب- طبق ماده ۱۹۱ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ «کارگاه‌های کوچک کمتر از ده نفر را می‌توان برحسب مصلحت موقتاً از شمول بعضی از مقررات این قانون مستثنی نمود. تشخیص مصلحت و موارد استثناء به موجب آیین نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.» نظر به این که حکم مقنن مفید حصر اختیار هیأت وزیران در مستثنی کردن کارگاه‌های کوچک کمتر از ۱۰ نفر کارگر از شمول بعضی از مقررات قانون کار به مدت موقت و برحسب مصلحت است و دلالتی بر وضع قاعده‌آمده خاص نسبت به این قبیل کارگاه‌های کوچک و کارگران آنها که علی‌القاعده تابع شرایط قرارداد کار براساس تراضی و توافق طرفین (کارگر و کارفرما) است، ندارد. بنابراین مواد ۲ و ۳ در قسمت مورد اعتراض خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود و مستنداً به اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند یک ماده ۱۹۹ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ ابطال می‌گردد. عدالت اداری- هیأت عمومی دیوان عدالت اداری معاون قضائی دیوان مقدسی فرد